

ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی روستاهای استان چهارمحال و بختیاری

سعیدرضا اکبریان رونیزی^{۱*}؛ رحیم خدابخشی^۲؛ آرش نصیری زرقانی^۳

۱-دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

akbarian@shirazu.ac.ir

۲-کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳-دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

چکیده

مدیریت و سازماندهی فضا در سطوح مختلف از محلی تا ملی دارای اهمیت بسیاری است و به‌طور ایده‌آل باید به گونه‌ای باشد که ساکنان هر ناحیه با توجه به شرایط جغرافیایی خود بتوانند از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها بهره‌برده و به کمک آن به آسایش، ثبات اجتماعی و رفاه اقتصادی دست یابند. در این راستا نظام مدیریتی کشور نقش عمده‌ای در تسهیل این روند دارد، لذا از سوی نهادهای دولتی و عمومی بایستی شرایطی مهیا شود تا به وسیله آن جامعه بتواند به‌طور عادلانه از امکانات و ظرفیت‌ها بهره‌مند شده، شرایط مناسب برای رشد خود را فراهم کند و اگر هم محدودیت‌هایی وجود داشته باشد، بایستی به‌طور نسبتاً یکسان در تمامی مناطق کاسته شود. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی مبتنی بر منابع آماری و کتابخانه‌ای تلاش دارد سطح برخورداری از خدمات عمومی و به‌طورکلی سطح عدالت فضایی روستاهای استان چهارمحال و بختیاری به تفکیک شهرستان‌های این استان را مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که روستاهای استان چهارمحال و بختیاری با توجه به مفهوم عدالت فضایی و میزان تخصیص خدمات عمومی، در چه سطحی قرار دارند؟ برای این منظور از مدل‌های کمی ویکور، تاپسیس، ساو و درنهایت از کپلند استفاده شده و نتایج نهایی از طریق نرم‌افزار Arc GIS در قالب نقشه به نمایش درآمده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نتایج سه مدل فوق‌الذکر تقریباً مشابه به یکدیگر می‌باشند؛ به این ترتیب که در مدل‌های مزبور و با توجه به نتایج نهایی کپلند، سطح برخورداری از خدمات عمومی روستایی در شهرستان‌های اردل، لردگان و بن در سطح مناسبی قرار گرفته، روستاهای شهرستان‌های بروجن، کوهرنگ و کیار از نظر عدالت فضایی درمورد خدمات عمومی نیمه‌برخوردار بوده و درنهایت روستاهای شهرستان‌های فارس، سامان و شهرکرد در موقعیت غیربرخوردار و نامطلوب از منظر عدالت فضایی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: عدالت فضایی، خدمات عمومی، نواحی روستایی، چهارمحال و بختیاری.

¹ . Email: akbarian@shirazu.ac.ir

۱- مقدمه

یکی از مهمترین مسائل کشورها در دوره های مختلف، بررسی شیوه های بهبود و پیشرفت و در مجموع، توسعه مناطق روستایی است. تجربه روند توسعه در کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که توسعه روستایی یک ضرورت اساسی برای توسعه ملی است (صادقی و ستایش منش، ۱۴۰۲، ۷۷۹). از مشکلات اساسی توسعه فضایی و ناحیه ای، گسیختگی سازمان فضایی و عدم سلسله مراتب مبتنی بر رابطه تعاملی میان سکونتگاهها است. برنامه ریزی فضایی یا سازماندهی فضایی روندی است برای بهره وری و آرایش منطقی، حفظ تعادل، توازن و هماهنگی، بین جمعیت و تاسیسات اقتصادی ایجاد شده در فضای جغرافیایی و جلوگیری از بروز عدم تعادل و بازتابهای تخریبی و منفی در فضای سرزمین (شریفی و همکاران، ۱۴۰۰، ۷۶).

فضا بستر شکل گیری فعالیت های انسان است و اساساً انسان را جدای از فضا نمی توان تصور کرد، لذا تمامی فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انسان در این عرصه شکل می گیرد. وجود امکانات و پتانسیل های محیط از یک سو و وجود موانع و محدودیت ها از سوی دیگر، شرایط زیستی جوامع را تعیین می کنند. عدالت فضایی یا جغرافیایی به معنی توزیع نسبتاً عادلانه خدمات و امکانات برای دستیابی به جامعه ای متوازن است. جنبه جغرافیایی عدالت اجتماعی، عدالت فضایی می باشد که در مجموعه علوم جغرافیای انسانی، مورد توجه جغرافیدانان قرار گرفته است. این اعتقاد وجود دارد که با فراهم آوردن محیطی مساعد که در آن امکانات و ظرفیت ها به طور تقریباً عادلانه در پهنه فضایی توزیع شده باشد، نه تنها عدالت اجتماعی و فضایی محقق می شود، بلکه بستر توسعه آن واحد جغرافیایی نیز به سهولت بیشتری فراهم می گردد. از این رو، خدمات عمومی و نحوه ارائه آن به مردم یکی از مهم ترین شاخص هایی است که می تواند در سنجش عدالت فضایی تأثیرگذار باشد.

استان چهارمحال و بختیاری از جمله استان های کشور است که روستا و روستا نشینی در آن به واسطه تعداد آبادی ها و جمعیت روستایی دارای اهمیت قابل توجهی می باشد. روستاهای این استان، مانند نواحی روستایی سایر مناطق کشور، با مشکلات و معضلات عدیده ای روبرو است که تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متوجه زندگی انسانی می سازد. پژوهش حاضر، بر آن است که خدمات عمومی موجود در نواحی روستایی استان چهارمحال و بختیاری را با تأکید بر مفهوم عدالت فضایی مورد بررسی قرار دهد و میزان عدالت در بهره مندی از خدمات عمومی را در روستاهای استان مذکور ارزیابی کند. سؤال پژوهش چنین است که روستاهای استان چهارمحال و بختیاری با توجه به مفهوم و معیار عدالت فضایی و میزان تخصیص خدمات عمومی، در چه سطحی قرار دارند؟ به عنوان فرضیه می توان در نظر گرفت که خدمات و امکانات روستایی در شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری به طور یکنواخت توزیع نشده و در نتیجه عدالت فضایی در نواحی روستایی شهرستان های استان شکل نگرفته است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- عدالت فضایی

عدالت از جمله مفاهیمی است که در علوم اجتماعی و همچنین در بطن زندگی اجتماعی انسان مورد بحث بوده و جوامع از گذشته تا کنون همواره به دنبال دستیابی به آن بوده‌اند. مفهوم عدالت از منظرهای مختلف قابل بررسی است و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی و عدالت محیطی نیز متأثر از چندبعدی بودن این مفهوم است؛ اما آنچه حائز اهمیت است این است که اساس هرگونه تغییر در سازمان فضایی در روابط اقتصادی و اجتماعی و توزیع درآمد، در جامعه اثر مستقیم می‌گذارد (مرصوصی، ۱۳۸۳: ۹۱). برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی برابر به تسهیلات عمومی اساسی تعریف کرده‌اند و معیار سنجش عدالت هم میزان فاصله از خدمات بوده است. مثل دسترسی به مدرسه، مراکز بهداشتی و یا رخدادهای فرهنگی. برخی دیگر عدالت فضایی را برابری در نحوه انتخاب فرصت‌ها، مثل نحوه انتخاب کار یا انتخاب نهادهای آموزشی قابل دسترس تعریف کرده‌اند (اسماعیل‌زاده و معصومی، ۱۳۹۴: ۹۶).

مفهوم عدالت فضایی از مفهوم سازی عدالت اجتماعی در فضا سرچشمه می‌گیرد. عدالت فضایی به «عدالت در فضای فیزیکی» گفته می‌شود تا توزیع عادلانه منابع فضایی را در داخل و در بین فضاهای جغرافیایی از واحدهای مسکونی، روستاها، شهرها، مناطق، دولت-ملت‌ها و قاره‌ها تا کل جهان نشان دهد. دستیابی به عدالت فضایی در صورتی محقق می‌شود که سازماندهی فضا و تخصیص منابع آن با رعایت اصول برابری و احترام به حقوق بشر باشد. اما عدالت فضایی جایگزین عدالت اجتماعی نیست؛ بلکه شکلی از عدالت است که مبتنی بر رعایت اصول عدالت اجتماعی در تخصیص منابع مکانی است. همچنین شامل توسعه و اجرای قوانین توسعه فضایی است که گزینه‌ها یا فرصت‌هایی را برای استفاده از آن منابع در اختیار همه گروه‌ها و اقشار مردم قرار می‌دهد (Uwayezu and Vries, 2018: 2). عدالت فضایی نقطه تلاقی فضا و عدالت اجتماعی است که به جنبه‌های فضایی یا جغرافیایی عدالت نظر دارد. عدالت فضایی توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های باارزش در فضای جامعه را دربرمی‌گیرد که می‌تواند هم یک خروجی و هم فرآیند در نظر گرفته شود. عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است از برابری نسبی شاخص‌های جامع توسعه (اقتصادی، کالبدی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، اجتماعی و امنیتی) در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی خرد و کلان یک کشور با شاخص‌های متناظر توسعه با آن در سطح ملی. عدالت فضایی با رویکرد دموکراتیک به فضا، در پی برابری همه ساکنان فضای جغرافیایی در برخورداری از منابع، فرصت‌ها و زیرساخت‌ها، جدای از ناهمگونی‌های زیستی و اعتقادی است که از رهگذر مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها به دست می‌آید. بنابراین، هدف نهایی در عدالت فضایی، بهبود دورنمای زندگی در تمام عرصه‌های فضایی است. عدالت فضایی در صورتی تحقق می‌یابد که توزیع قدرت، ثروت و فرصت، متناسب با قابلیت مکان‌ها و فضاهای خرد و کلان جغرافیایی انجام شود و به تبع آن، درآمدی را که به توانمندی جوامع در جهت برآورده کردن نیازها منجر می‌شود، افزایش دهد و از این رهگذر، ضرایب فزاینده‌گی بین مناطق را زیاد کند. از آن‌جا که انسان و فضا به‌عنوان موضوعی پویا در کانون اندیشه جغرافیای انسانی و به تبع آن در جغرافیای انسانی مطرح است، دستیابی برابر تمام ساکنان فضای جغرافیایی به قدرت ملی، فرصت‌های ملی و ثروت ملی، شاکله اصلی عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی را شکل خواهد داد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

۳۷). بی‌عدالتی در کل به توزیع نامتوازن دارایی‌های ارزشمند جامعه یعنی قدرت سیاسی - اجرایی، مزیت‌ها، ثروت و فرصت اشاره دارد که نابرابری‌های ناشی از آن در هر کشوری، می‌تواند تهدیدکننده امنیت ملی و تکوین نواحی بحرانی باشد (قادری حاجت و حافظ‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۷).

درواقع عدالت فضایی در کلیتی فراگیر به رعایت حقوق برابر انسان‌ها یا بازیگران اجتماعی، حفظ و پاسداری از کرامت انسانی‌ها، تأمین نیازهای اولیه زندگی و عزت نفس اجتماعی آن‌ها توجه وافیه دارد و از آن‌رو دستیابی به آن اسطوره‌ای فراموش‌شده، خاطره‌ای تاریخی و آرمانی دور از دسترس ملحوظ می‌گردد که حاشیه‌نشینان در نتیجه وجود عدم تعادل‌ها و نابرابری‌های فضایی درحقیقت نه به خواست خود، بلکه به تحریک و ترغیب شرایط حاد زندگی به حاشیه رانده شده‌اند و روند رو به تزايد این شکل از سکونت و استقرار جمعیتی تا زمان تحقق نسبی آرمان عدالت فضایی تداوم خواهد یافت. تحقق این آرمان فی‌نفسه مستلزم تغییر نوع، نحوه و منظر نگرش به حاشیه‌نشینی است که همین امر در نهایت چارچوب اصلی سیاستگذاری‌ها، راهبردها و استراتژی‌های ساماندهی حاشیه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. عدالت فضایی بر این باور است که فضاهای گوناگون سکونتگاهی و از آن جمله سکونتگاه‌های حاشیه‌ای، پژواک و نمود عینی و فضایی اراده‌آگاهانه یا ناآگاهانه انسان‌ها، نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی، نظام بوروکراتیک، سیاست‌گذاری‌های کلان ملی، نظام‌های اجرایی و قانونی، مدیریت محلی و منطقه‌ای و... است و ساکنین این نواحی در حالی متأثر از شرایط گوناگون به سکونت در حاشیه‌ها مجبور شده‌اند که خود در بوجود آمدن این شرایط هیچ‌گونه دخالتی نداشته‌اند (جوان و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۳۸). عدالت فضایی را به چهار دسته اصلی تقسیم کرده‌اند: برابری فرصت‌ها، عدالت نیاز مبنای، پاسخگویی برابر به تقاضاها و پیروی از سیستم بازار (احمدی و شمسی‌پور، ۱۳۹۹: ۷۶). عدالت فضایی و عدالت جغرافیایی به معنی توزیع عادلانه خدمات و امکانات برای دستیابی به جامعه‌ای متوازن و یکی از رهیافت‌های عدالت اجتماعی است. از جمله عواملی که باید در جهت اجرای عدالت اجتماعی همراه با عدالت فضایی رعایت کرد، توزیع مناسب کاربری‌ها و خدمات و به کارگیری صحیح فضاها است. تمرکز مراکز خدمات‌رسانی در یک مکان خاص، ضمن ایجاد مناطق دوقطبی، هجوم جمعیت مصرف‌کننده به مناطق برخوردار را در پی دارد (پریزادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۱). بنابراین می‌توان چنین گفت که نابرابری‌های فضا و مکان در داخل واحدهای جغرافیایی وجود دارد، به گونه‌ای که تجارب فعالیت اجتماعی در دستیابی به امکانات و خدمات، بسته به شرایط محلی هر واحد جغرافیایی بسیار متفاوت خواهد بود (Christie, 2013: 775). لذا دولت بیش از آنکه اولین محرک کنش مدنی باشد، دعوت‌کننده و حمایت‌گر است و به‌طور غالب دولت به‌ویژه در تأمین خدمات عامه، مسئولیت عمده‌ای دارد (O'Reilly, 2010: 14).

آثار نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در شکل استفاده از فضا بازتاب پیدا می‌کند. در زمان ما، هدف بسیاری از جغرافیدانان تنها این نیست که کیفیت زندگی روزمره انسان را مطالعه کنند، بلکه برای بسیاری، کشف نابرابری‌ها و بی‌عدالتی فضایی و کاهش تفاوت ناحیه‌ای در دسترسی به امکانات یک نوع رسالت محسوب می‌شود (پوراحمد، ۱۳۹۳: ۱۲۰). نابرابری‌ها عمدتاً بازتاب و برآیند نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی و توزیع، ساختارهای اقتصادی، عوامل طبیعی، تحولات نظام سرمایه، پویایی نیازها، خواست‌های اجتماعی، شفاف نبودن برنامه‌ها و هزینه‌ها، درجه یک و دو پنداشتن شهروندان و دگرگونی مفاهیم و مصادیق می‌باشد. دگرگونی‌هایی که نمود عینی و فضایی آن در قالب

جنبش‌های اجتماعی، گسترش بی‌رویه شهرنشینی و حاشیه‌نشینی، تمرکز سرمایه و قطبی شدن سکونتگاه‌ها و اجتماعات و توزیع نامتوازن فرصت‌ها و زیرساخت‌ها در مرکز-پیرامون است (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۹: ۲۴۱).

۲-۲- خدمات عمومی

واژه Public گاهی به معنای «دولتی» و گاهی به معنای «عمومی» استفاده می‌شود. فلذا می‌توان گفت Public در مفهوم ماهوی به معنای «مرتبط با عموم مردم» است و در معنای سازمانی به معنای «مرتبط با قدرت عمومی» است. با توجه به اینکه Service به ارائه کردن چیزی به دیگری یا انجام کاری به سود دیگری اطلاق می‌شود و Public به معنای مرتبط با عموم مردم است، تلفیق این دو واژه، این «معنای لفظی» را حاصل می‌کند که اولاً «خدمات عمومی مفهوم یک وظیفه است...» (Perry, 1990: 368؛ زارعی و نجارزاده هنجنی، ۱۳۹۶: ۱۳۹) که در قالب اعمال و فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد و ثانیاً این وظیفه یا عمل و فعالیت از سوی شخص یا نهادهایی به سود مردم ارائه می‌گردد (زارعی و نجارزاده هنجنی، ۱۳۹۶: ۱۳۹). خدمات حوزه عمومی نهادهایی را نشان می‌دهد که در آن افراد جامعه به عنوان شهروند شرکت می‌کنند و به طور جمعی برای منافع عمومی تصمیم می‌گیرند و از این خدمات بهره‌مند می‌شوند (Syvertsen, 1999: 7).

از خدمات عمومی تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ نقطه مشترک تمام این تعاریف، تأمین نیازهای عمومی جامعه است. بنابراین می‌توان گفت خدمات عمومی فعالیت‌هایی هستند که نهادهای عمومی یا خصوصی، زیر نظر اشخاص عمومی برای برآورده کردن نیازهای همگانی انجام می‌دهند (رضایی‌زاده و کاظمی، ۱۳۹۱: ۲۴). خدمات عمومی به‌طور کلی به‌عنوان فعالیت‌های اقتصادی که منفعت عمومی دارند و در ابتکار عمل نهادهای عمومی هستند، تعریف می‌شود. دریافت خدمات عمومی در مقیاس وسیع صورت می‌گیرد و بر زندگی روزانه افراد تأثیر مستقیم دارد. مسئولیت آن‌ها با مراجع خاص و متفاوت از هم می‌باشد. مثل خدمات آموزشی، فضای سبز، خدمات ورزشی، درمانی، فرهنگی و مذهبی. این خدمات همگی دارای عملکردهای فضایی هستند (داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۰: ۷-۶). خدمات عمومی باید صرف‌نظر از بعد مکانی آن، محدودیت‌ها و منابع مالی یا توانایی فیزیکی افراد، به آسانی در دسترس آن‌ها قرار گیرد (Kaphle, 2006: 2؛ امانپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷). تحقیقات درمورد خدمات عمومی در دهه‌های اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است و بین‌المللی، چند رشته‌ای و چند بخشی شده است (Ritz et al, 2016: 414). در حساب‌های ملی ایران گروه خدمات عمومی مجموعه فعالیت خدماتی در سطوح دولت مرکزی، دولت محلی (شهرداری‌ها) و سازمان تأمین اجتماعی را پوشش می‌دهد. این گروه از فعالیت‌ها طیف وسیعی از فعالیت‌های خدمات دولت در زمینه‌های دفاع، امور اداری، امنیت و نظم عمومی، آموزش، بهداشت، رفاه، مسکن و خدمات تفریحی و تأمین اجتماعی را شامل می‌شود (لیوتیگستون، ۱۳۸۵: ۹۰؛ روستایی و علیزاده یوالاری، ۱۳۹۹: ۱۵۷). نقش دولت‌ها در این رابطه غیرقابل انکار است؛ زیرا دولت‌ها با بهره‌مندی از اختیارات قانونی خود، سعی در تمشیت و سازماندهی روابط اجتماعی دارند، به‌ویژه اگر داعیه‌ای چون دولت رفاهی یا دولت خدمتگزار را داشته باشند، وظیفه خود می‌دانند که انواع خدمات را هماهنگ با اهداف توسعه رفاه، آسایش و بهروزی شهروندان ارائه دهند. این خدمات می‌توانند گستره قابل توجهی از خدمات عمومی از جمله آموزش، بهداشت، درمان، راه‌سازی، تأمین اجتماعی، ایجاد اشتغال،

تأمین صنایع زیربنایی، ایجاد مراکز پژوهشی، آب، فاضلاب، برق، تلفن، پست، راه‌آهن و سدسازی، حتی ایجاد گورستان‌ها، مساجد، سالن‌های نمایش، کشف و توسعه معادن و مخازن نفت و گاز، ثبت و ضبط موالید و متوفیات و مواردی از این دست را شامل شوند (رضایی‌زاده و کاظمی، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور در اصول مختلفی به مصادیق بارزی از خدمات عمومی اشاره نموده و وظیفه تأمین آن‌ها را برعهده دولت گذاشته که از نظر برخی، حاکی از پذیرش این مفهوم به مثابه فلسفه وجودی دولت و دستگاه‌های اجرایی می‌باشد (واعظی و البرزی، ۱۳۹۶: ۹).

۲-۳- پیشینه پژوهش

پیرامون مبحث عدالت فضایی به‌ویژه درمورد سکونتگاه‌های انسانی، تاکنون آثار متعددی به رشته تحریر درآمده است. انوری و همکاران (۱۴۰۱) به «تحلیل الگوی فضایی عدالت توزیعی در منطقه روستایی جنوب استان آذربایجان غربی» پرداختند. جامعه آماری این پژوهش ۱۱۴۳ روستای دارای سکنه در ۹ شهرستان استان آذربایجان غربی بوده است و این نتیجه حاصل شده که الگوی توزیع خدمات در بین روستاهای منطقه مورد مطالعه کاملاً نابرابر می‌باشد. همچنین میزان تأثیرگذاری خدمات روستایی بر افزایش جمعیت روستاها معنادار نبوده است؛ یعنی با افزایش خدمات روستایی در بسیاری از روستاهای کم‌برخوردار بر میزان جمعیت‌پذیری آن‌ها تأثیرگذار نخواهد بود.

کمانرودی کجوری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت‌عنوان «تحلیل فضایی سطح برخورداری نواحی روستایی با رویکرد عدالت توزیعی (مطالعه موردی: دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه)»، ۵۵ متغیر را در قالب ۶ بُعد آموزشی - فرهنگی، مذهبی، زیربنایی - مخابرات و ارتباطات، سیاسی - اداری، بهداشتی درمانی، بازرگانی و خدمات در دهستان‌های بخش مرکزی ارومیه مورد مطالعه قرار دادند. این موارد با استفاده از روش‌های گاتمن، موریس، تاکسونومی عددی، ویکور و کپلند سطح‌بندی شدند. نتایج به دست آمده از این روش‌ها تقریباً یکسان بوده است و نشان‌دهنده تفاوت برخورداری در سطح دهستان‌ها و نبود عدالت توزیعی در میان آن‌ها می‌باشد.

موسوی و همکاران (۱۳۹۸) به «تحلیل شاخص عدالت فضایی در روستاهای گردشگریپذیر (مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی)» پرداختند. نویسندگان ۴۸ روستای گردشگریپذیر استان مذکور را مورد مطالعه قرار دادند و به این منظور ۴۲ شاخص را در نظر گرفته و با روش میدانی و بهره‌گیری از داده‌های آماری سال ۱۳۹۰ موضوع خود را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پس از خدمات مربوط به گردشگری و کاربری‌های رفاهی، کاربری‌های مرتبط با فضای سبز، پارک و زمین ورزشی روبراز، بیشترین میزان کمبود را دارند و به عبارتی از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند و تأکید شده است که به بهبود کیفیت این نوع کاربری‌ها توجه شود چرا که در روستاهای گردشگریپذیر به علت مراجعه گسترده گردشگران همواره احتیاج به مکان‌های ورزشی و تفریحی مرتبط با هوای آزاد روستاها احساس می‌شود.

ایمانی و رحیمی‌زاد (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به بررسی «ابعاد عدالت فضایی مؤثر بر کیفیت زندگی در روستاهای شهرستان اردبیل» پرداختند. این پژوهش به روشی توصیفی - تحلیلی با مطالعه ۴۰ روستای شهرستان اردبیل به انجام رسید. سنجش کیفیت زندگی در این مقاله با توجه به مفهوم عدالت فضایی، براساس چهار بعد اجتماعی (شامل آموزش، اوقات فراغت، تعامل و همبستگی، سلامت و امنیت)، بعد محیط زیستی (کیفیت زندگی)، بعد کالبدی (مانند محیط مسکونی و زیرساخت‌ها) و درنهایت بعد اقتصادی (از جمله اشتغال، وضعیت درآمد و تجهیزات تولیدی) بررسی شده است. طبق یافته‌های تحقیق، آشکار شد که

روستاهای شهرستان مذکور از لحاظ پراکندگی شاخص‌های کیفیت زندگی در وضعیت متعادلی نبودند، به گونه‌ای که چهار روستا در سطح خیلی خوب، پنج روستا در سطح خوب، ۲۶ روستا در سطح متوسط و پنج روستا در سطح ضعیف قرار داشتند. افراخته و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی شهرستان‌های استان اصفهان» به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از هشت شاخص مربوط به خدمات روستایی و نیز بهره‌گیری از ابزار GIS و SPSS و انتخاب مدل تاکسونومی عددی، توزیع خدمات روستایی را مورد سنجش قرار دادند که طی آن، شهرستان‌های استان اصفهان به سه دسته عادلانه، نسبتاً عادلانه و ناعادلانه تقسیم شدند. در نتایج این پژوهش آشکار گردید که شهرستان‌های تیران و کروان و سپس خورویابانک، نائین و اردستان در مطلوب‌ترین وضعیت نسبت به سایر شهرستان‌های استان قرار دارند. شهرستان‌های کاشان، نطنز، فریدون‌شهر، گلپایگان و سمیرم از نظر عدالت فضایی خدمات روستایی در جایگاه متوسطی قرار دارند. اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که شهرستان خمینی‌شهر و همچنین خوانسار، چادگان، شاهین‌شهر، فریدن، شهرضا، دهاقان، آران و بیدگل، لنجان، مبارکه، اصفهان، نجف‌آباد، برخوار و فلاورجان کمترین تعداد مرکز خدمات روستایی را دارا می‌باشد.

یاسوری و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان «عدالت فضایی بهره‌مندی از امکانات و خدمات در سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های استان گیلان» به انجام رساندند. این اثر، که با رویکردی توصیفی - تحلیلی و استفاده از مدل موریس، روش شاخص‌بندی، استانداردسازی و تقسیم بر میانگین به رشته تحریر درآمد، آبادی‌های ۱۰۹ دهستان استان گیلان با اتخاذ مفهوم عدالت فضایی و شاخص‌های آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که برخوردارترین دهستان‌های این استان نیز در سطح توسعه‌یافتگی متوسطی قرار دارند و در حد قابل قبول عدالت فضایی را در بهره‌گیری از خدمات و امکانات تجربه نکرده‌اند. بنابراین وضعیت دهستان‌هایی که در سطح توسعه‌یافتگی پایین قرار دارند، به مراتب شرایط نامناسب‌تری را در دسترسی به خدمات تحمل می‌کنند.

فرجی سبکبار (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به «تحلیل نابرابری‌های فضایی سکونتگاه‌های روستایی ایران» پرداخته است. نویسنده برپایه نظریه MAUP که توسط اوپن شاو مطرح شد، به بررسی علل عمده نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های فضایی در روستاهای ایران پرداخته است. در پژوهش مورد بحث، این نتیجه حاصل شده است که روستاهای کشور به صورت نامتوازی در کشور توزیع شده‌اند و این موضوع نشان می‌دهد فرضیه توزیع متعادل فضایی سکونتگاه‌های روستایی رد شده و توزیع نامتعادل به اثبات می‌رسد. ضمناً برای درک بهتر از نحوه توزیع فضایی سکونتگاه‌ها از شاخص خوشه‌بندی LISA استفاده شد. این شاخص برای کشف الگوهای فضایی شاخص‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین برای اطمینان و اثبات فرضیه از سطح اطمینان ۹۵٪ استفاده شد.

۳- روش، تکنیک‌ها و قلمرو

پژوهش حاضر در گروه تحقیقات کاربردی جای می‌گیرد که نوع آن کمی می‌باشد. در این پژوهش سعی شده با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع آماری که از سوی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ ارائه شده است، به ارزیابی عدالت فضایی و میزان ارائه خدمات عمومی روستایی در شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری پرداخته شود. پس از بررسی‌های کتابخانه‌ای مبنی بر مفهوم عدالت فضایی و خدمات عمومی، آمارهای مربوط به مهم‌ترین شاخص‌های عدالت فضایی گردآوری شدند که در جدول شماره ۲ به آن‌ها اشاره شده است. شاخص‌های بهداشتی،

آموزشی و فرهنگی - مذهبی با توجه به جمعیت شهرستان‌ها به ۱۰۰۰ نفر نسبت گرفته شده و متغیرهای شاخص خدمات نیز با توجه به تعداد نقاط روستایی هر شهرستان نسبت‌گیری و مورد بررسی قرار گرفتند.

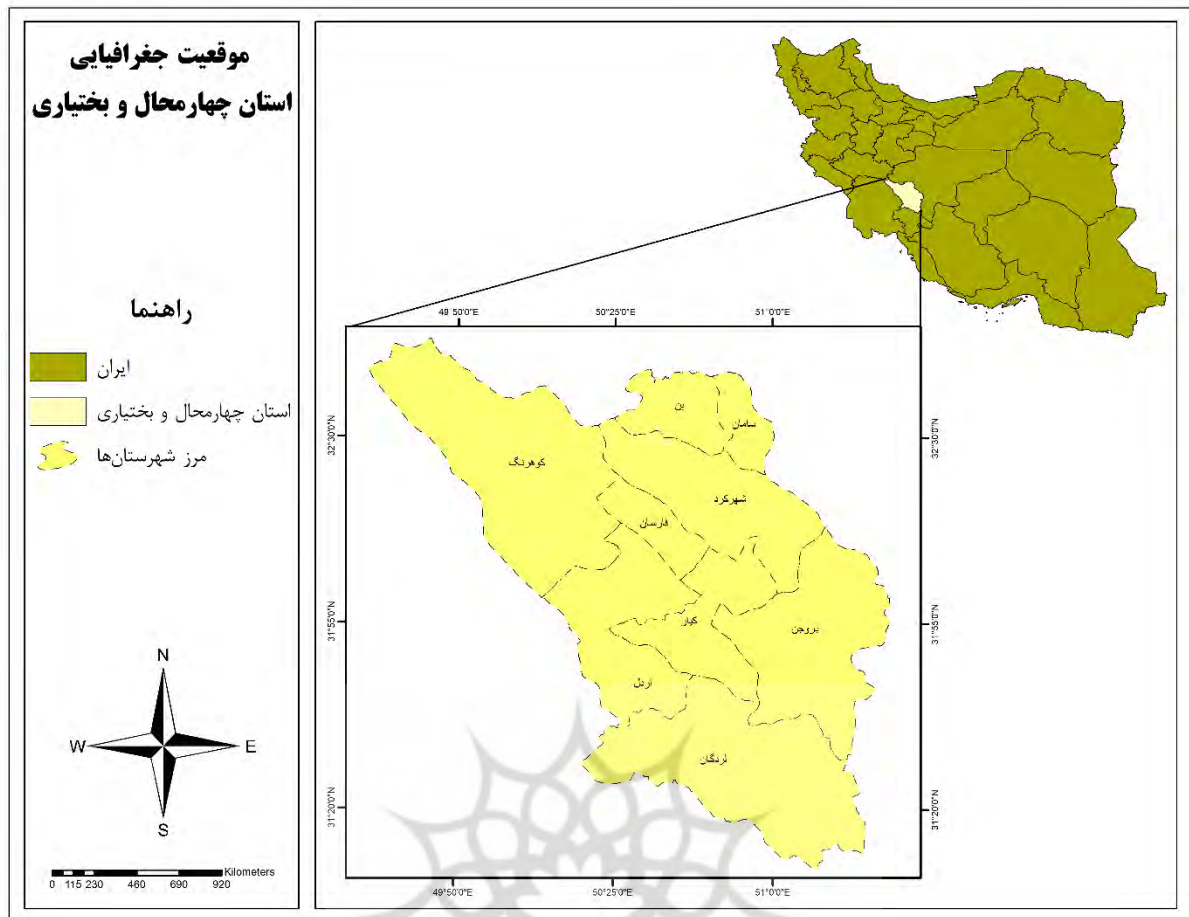
جدول شماره ۲: شاخص‌های پژوهش

ردیف	شاخص	متغیر
۱	بهداشتی	مراکز بهداشتی، پایگاه بهداشت، خانه بهداشت، تعداد بهورز، تسهیلات زایمانی
۲	آموزشی	پیش‌دبستانی، دبستان، متوسطه و دبیرستان
۳	فرهنگی - مذهبی	کتابخانه عمومی، مساجد، حسینیه‌ها
۴	خدماتی	آبرسانی، برق‌رسانی، شبکه گاز، دفاتر خدماتی، پاسگاه انتظامی، اماکن ورزشی

منبع: (یافته‌های پژوهش)

پس از گردآوری داده‌های آماری، موارد مذکور در سه مدل ویکور، تاپسیس و ساو محاسبه و بررسی شدند. از این جهت که نتایج حاصل از مدل‌های فوق به‌طور کامل یکسان نیستند و اختلاف‌هایی با یکدیگر دارند، در پایان از کپ‌لند برای رسیدن به اجماعی کلی استفاده شده است. همچنین نتایج نهایی به دست آمده از مدل‌های ویکور، تاپسیس و ساو و همچنین کپ‌لند به محیط Arc GIS منتقل شده و در قالب نقشه‌های موضوعی به نمایش درآمدند.

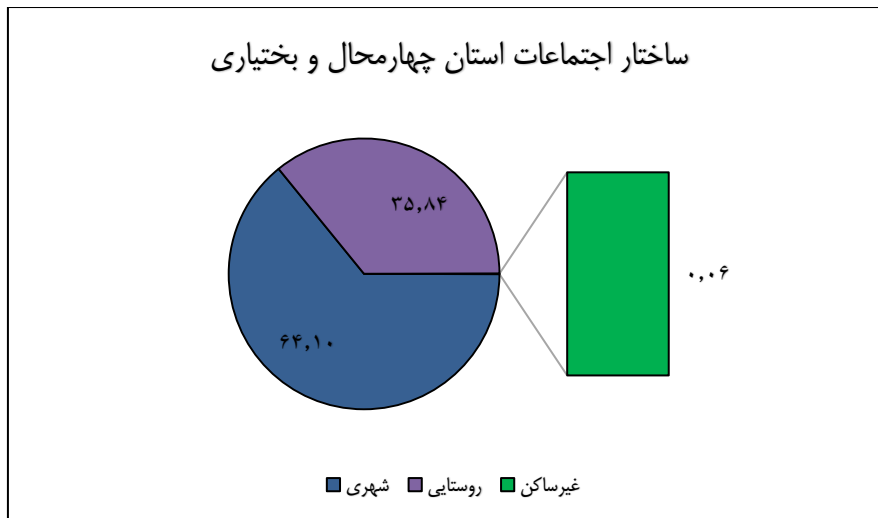
استان چهارمحال و بختیاری با مساحتی حدود ۱۶۴۱۱ کیلومتر مربع در ناحیه غربی ایران بین ۳۱ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۴۹ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۲۹ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. این استان از سمت شمال و مشرق به استان اصفهان، از جنوب و جنوب شرقی به استان کهگیلویه و بویراحمد و از غرب و جنوب غربی به استان خوزستان و از شمال غرب به استان لرستان محدود می‌شود (سالنامه آماری استان چهارمحال و بختیاری، ۱۴۰۰: ۴۷). استان چهارمحال و بختیاری تا سال ۱۳۹۵ دارای ۹ شهرستان (شکل شماره ۱)، ۲۵ بخش و ۵۰ دهستان بوده است.



شکل شماره ۱: موقعیت جغرافیایی استان چهارمحال و بختیاری (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۹۸۱ نقطه روستایی در کل دهستان‌های استان وجود دارد که ۸۰۰ آبادی آن دارای سکنه و ۱۸۱ آبادی خالی از سکنه هستند. شهرستان لردگان با ۳۵۶ و سپس شهرستان کوهرنگ با ۲۹۵ تعداد آبادی، بیشترین نقاط روستایی استان را به خود اختصاص داده‌اند و از این منظر قابل توجه می‌باشند (سالنامه آماری استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۵: ۶۱-۶۰).

طبق داده‌های آماری سال ۱۳۹۵ منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، جمعیت کل استان چهارمحال و بختیاری ۹۴۷۷۶۳ نفر است که نسبت به سالیان گذشته دارای افزایش و رشد جمعیت بوده است. از مجموع جمعیت فوق، ۶۰۷۴۴۴ نفر (۶۴/۱۰ درصد) ساکن مناطق شهری، ۳۳۹۶۶۷ نفر (۳۵/۸۴ درصد) ساکن نواحی روستایی و تنها ۶۵۲ نفر (۰/۰۶ درصد) غیرساکن بوده‌اند (شکل شماره ۲).



شکل شماره ۲: ساختار اجتماعات استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۹۵ (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۴- یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

۴-۱- سطح‌بندی شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری با استفاده از مدل ویکور

روش VIKOR در سال ۱۹۹۸ ارائه شد و این متد مبتنی بر یک تابع تراکمی Lp, j (Aggregated) است که گام‌های زیر را دارا می‌باشد:

تعیین بالاترین ارزش f_i^* و پایین‌ترین ارزش f_i^- توابع معیار در صورتیکه $i=1, \dots, n$ باشد.

محاسبه ارزش S_j و R_j برای $j=1, \dots, n$ که به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$S_j = \sum_{i=1}^n w_i \cdot \frac{f_i^* - f_i^-}{f_i^* - f_i^-}, \quad R_j = \max_i \left[w_i \cdot \frac{f_i^* - f_i^-}{f_i^* - f_i^-} \right]$$

مقدار Q_j را برای $j=1, \dots, J$ به طریق زیر محاسبه می‌گردد:

$$Q_j = v \cdot \frac{S_j^* - S_j^-}{S_j^* - S_j^-} + (1-v) \cdot \frac{R_j^* - R_j^-}{R_j^* - R_j^-}$$

که به این ترتیب:

$$Q_1, Q_2, \dots, Q_J$$

گزینه‌ها را رتبه‌بندی کرده و آن‌ها را بر اساس ارزش‌های S, R و Q مرتب می‌شوند.

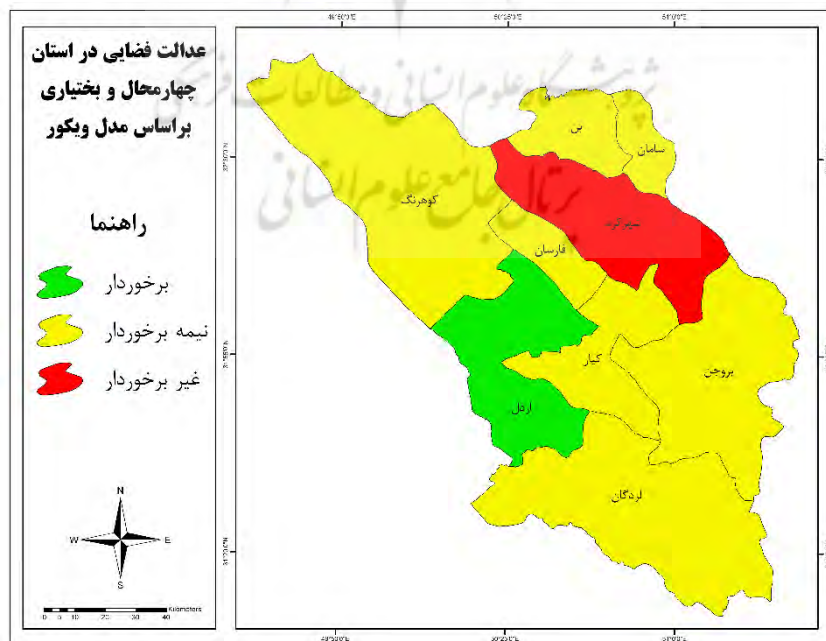
با توجه به موارد و گام‌های فوق، شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری با تأکید بر میزان ارائه خدمات عمومی روستایی و امکانات موجود از منظر عدالت فضایی، محاسبه شده که در جدول شماره ۳ نتایج آن قابل رؤیت است.

جدول شماره ۳: رتبه‌بندی شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری براساس مدل ویکور

رتبه	عدد ویکور	شهرستان	ردیف
۹	۱	شهرکرد	۱
۳	۰/۵۴۰	بروجن	۲
۷	۰/۶۳۵	فارسان	۳
۲	۰/۴۷۴	لردگان	۴
۱	۰	اردل	۵
۵	۰/۶۰۴	کوهرنگ	۶
۶	۰/۶۳۳	کیار	۷
۸	۰/۶۳۷	سامان	۸
۴	۰/۵۷۶	بن	۹

منبع: (یافته‌های پژوهش)

بر اساس نتایج مدل ویکور، شهرستان اردل دارای رتبه ۱ و در سطح برخوردار در زمینه ارائه خدمات عمومی روستایی قرار دارد، شهرستان‌های لردگان، بروجن، بن، کوهرنگ، کیار، فارسان و سامان با فاصله‌های عددی کم نسبت به یکدیگر، سطح نیمه‌برخوردار را دارا می‌باشند و شهرکرد با کمترین میزان خدمات عمومی روستایی و امکانات موجود، سطح غیربرخوردار و نامطلوبی از منظر عدالت فضایی دارد (شکل شماره ۳).



شکل شماره ۳: سطح برخورداری شهرستان‌ها براساس مدل ویکور (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۴-۲- سطح بندی شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری با استفاده از مدل تاپسیس

تکنیک تاپسیس، تکنیک رتبه بندی براساس تشابه به حل ایده آل است که توسط هوانگ و یون در سال ۱۹۸۱ ابداع شد. روش تاپسیس، یکی از روش های تصمیم گیری چند شاخصه (MADM) است که به رتبه بندی گزینه ها می پردازد. مراحل انجام تکنیک تاپسیس به شرح زیر می باشد:

۱- تشکیل ماتریس داده ها

۲- استاندارد کردن داده ها

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

قبل از شروع مرحله سوم بایستی از طریق تکنیک های وزن دهی، وزن هر شاخص را به دست آورد.

۳- تشکیل ماتریس موزون

$$N_D * W_{n*n} = \begin{bmatrix} v_{11} & \cdots & v_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ v_{m1} & \cdots & v_{mn} \end{bmatrix}$$

۴- شناسایی بالاترین عملکرد

$$A^+ = \{(MAX V_{ij} | j \in J), (MAX V_{ij} | j \in J') | i = 1, 2, \dots, m = \{v_1^+, v_2^+, \dots, v_j^+, \dots, v_n^+\}$$

۵- شناسایی پایین ترین عملکرد

$$A^- = \{(MIN V_{ij} | j \in J), (MIN V_{ij} | j \in J') | i = 1, 2, \dots, m = \{v_1^-, v_2^-, \dots, v_j^-, \dots, v_n^-\}$$

۶- تعیین معیار فاصله ای برای گزینه ایده آل

$$d_i^+ = \left\{ \sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2 \right\}^{0/5}$$

i=1,2,..., m

۷- تعیین معیار فاصله ای برای گزینه حداقل

$$d_i^- = \left\{ \sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2 \right\}^{0/5}$$

i=1,2,..., m

۸- محاسبه ضریب اولویت هر گزینه

$$0 \leq cl_{i+} \leq 1 \quad ; \quad i = 1, 2, \dots, m \quad cl_{i+} = \frac{d_i^-}{d_i^+ + d_i^-}$$

۹- رتبه بندی گزینه ها.

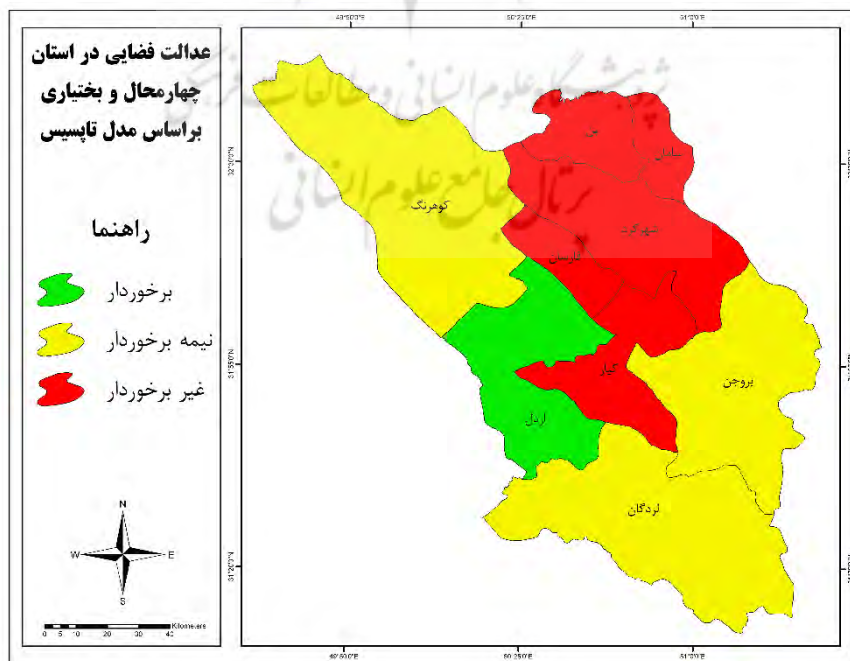
با توجه به مراحل نه گانه فوق، نتایج نهایی تاپسیس رتبه بندی شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری برحسب میزان ارائه خدمات عمومی نواحی روستایی، در جدول شماره ۴ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۴: رتبه‌بندی شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری براساس مدل تاپسیس

رتبه	عدد تاپسیس	شهرستان	ردیف
۵	۰/۶۴۵	شهرکرد	۱
۴	۰/۶۹۲	بروجن	۲
۸	۰/۶۱۸	فارسان	۳
۳	۰/۶۷۶	لردگان	۴
۱	۰/۸۸۹	اردل	۵
۲	۰/۷۱۶	کوهرنگ	۶
۷	۰/۶۱۷	کیار	۷
۹	۰/۶۱۴	سامان	۸
۶	۰/۶۵۶	بن	۹

منبع: (یافته‌های پژوهش)

نتایج حاصل از مدل تاپسیس که در شکل شماره ۴ به نمایش درآمده است، نشان می‌دهد که شهرستان اردل نسبت به بقیه شهرستان‌ها از نظر ارائه خدمات عمومی در سطحی مناسب و قابل قبول قرار دارد و شهرستان‌های کوهرنگ، بروجن و لردگان در سطح متوسط و نیمه‌برخوردار هستند و در نهایت شهرستان‌های بن، شهرکرد، فارسان کیار و سامان در سطح غیربرخوردار بوده و از نظر عدالت فضایی وضعیت نسبتاً نامطلوبی دارند.



شکل شماره ۴: سطح برخورداری شهرستان‌ها براساس مدل تاپسیس (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۴-۳- سطح‌بندی شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری با استفاده از مدل ساو

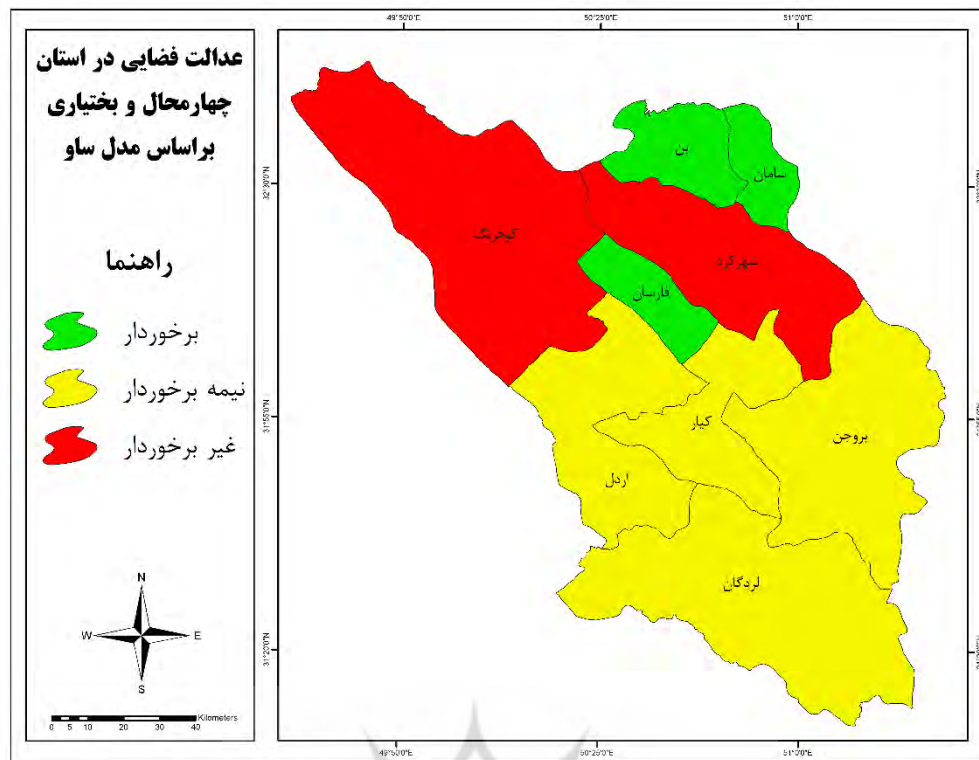
روش وزن‌دهی SAW ساده‌ترین روش تصمیم‌گیری چند معیاره می‌باشد. این روش در سال ۱۹۸۱ توسط هوانگ و بون ارائه شد. در این روش که با نام ترکیب خطی وزن‌دار نیز شناخته می‌شود، پس از بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم با استفاده از ضرایب وزنی معیارها ماتریس تصمیم‌گیری بی‌مقیاس شده وزن‌دار به دست آمده و با استفاده از این ماتریس امتیاز هر گزینه محاسبه می‌شود. تفاوت این مدل با دیگر مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره در این است که پس از وزن‌دهی متغیرهای مورد استفاده اقدام به رتبه‌بندی مناطق مختلف می‌کند. در این روش هر چه نتایج نهایی به دست آمده به یک نزدیک‌تر باشند نشان از وضع مطلوب‌تر دارد و هر چه به صفر میل کنند، نشان از برخورداری کم‌تر دارد. نتایج به دست آمده حاصل از مدل SAW در جدول شماره ۵ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۵: رتبه‌بندی شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری براساس مدل ساو

ردیف	شهرستان	عدد ساو	رتبه
۱	شهرکرد	۰/۰۶۵	۸
۲	بروجن	۰/۱۲۵	۴
۳	فارسان	۰/۱۴۱	۳
۴	لردگان	۰/۰۹۷	۶
۵	اردل	۰/۱۰۹	۵
۶	کوهرنگ	۰/۰۵۲	۹
۷	کیار	۰/۰۹۵	۷
۸	سامان	۰/۱۶۷	۱
۹	بن	۰/۱۴۸	۲

منبع: (یافته‌های پژوهش)

نتایج حاصل از مدل ساو تا اندازه‌ای با مدل‌های ویکور و تاپسیس تفاوت پیدا کرده است؛ به این معنی که در این مدل، شهرستان اردل که در دو مدل پیشین همواره رتبه نخست و از نظر عدالت فضایی برخوردار بود، در این مدل با رتبه پنجم در سطح نیمه‌برخوردار قرار گرفته است. در سوی دیگر، شهرستان‌های سامان و بن که در سطح نیمه‌برخوردار و غیربرخوردار قرار داشتند، در این مدل در سطح برخوردار هستند. شهرکرد مانند مدل‌های ویکور و تاپسیس، در این مدل نیز وضعیت غیربرخوردار و نامطلوبی از نظر عدالت فضایی دارد (شکل شماره ۵).



شکل شماره ۵: سطح برخورداری شهرستان‌ها براساس مدل ساو (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۴-۴- سطح‌بندی شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری با استفاده از روش کپلند

از آنجا که نتایج به دست آمده از مدل‌های ویکور، تاپسیس و ساو یکسان نبوده و تا حدودی نسبت به یکدیگر متفاوت هستند، لذا در این قسمت برای رسیدن به اجماعی کلی در تعیین عدالت فضایی در سطح استان چهارمحال و بختیاری، از کپلند استفاده شده است. برای این منظور در ابتدا مقایسات زوجی انجام گرفته است (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: مقایسات زوجی براساس کپلند

	بن	سامان	کیار	کوه‌رنگ	اردل	لردگان	فارسان	بروجن	شهرکرد	
شهرکرد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
بروجن	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	
فارسان	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	
لردگان	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	
اردل	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	
کوه‌رنگ	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	
کیار	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	
سامان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	
بن	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	
مجموع	۲	۷	۵	۴	۰	۱	۶	۳	۸	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

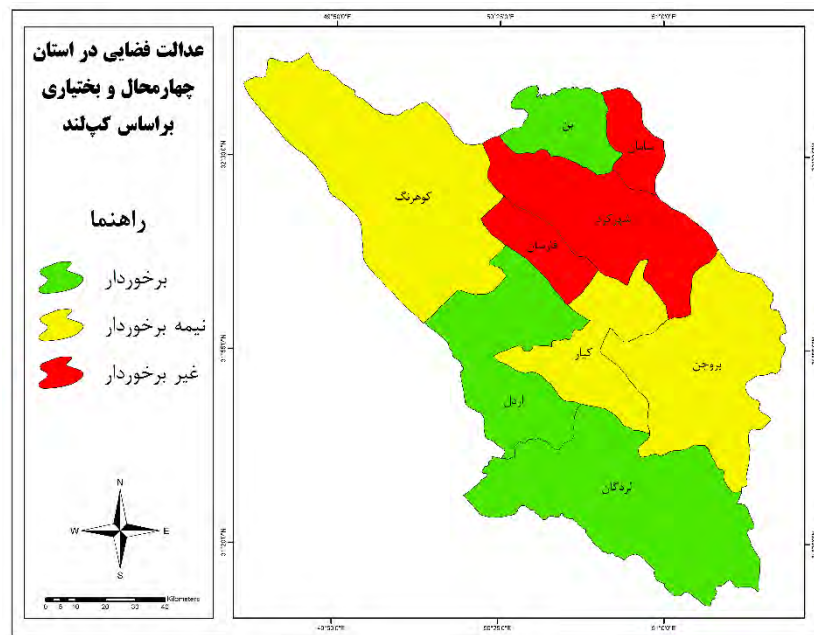
پس از انجام مقایسات زوجی، تعداد بردها و باخت‌ها یا به عبارتی دیگر میزان مسلط‌شدن و مغلوب‌شدن، تفاضل میان آن‌ها و درنهایت رتبه نهایی محاسبه شده است (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: تعداد بردها و باخت‌ها، تفاضل و رتبه نهایی مدل کپلند

ردیف	شهرستان	مسلط‌شدن	مغلوب‌شدن	تفاضل	رتبه نهایی
۱	شهرکرد	۰	۸	-۸	۹
۲	بروجن	۵	۳	۲	۴
۳	فارسان	۲	۶	-۴	۷
۴	لردگان	۷	۱	۶	۲
۵	اردل	۸	۰	۸	۱
۶	کوه‌رنگ	۴	۴	۰	۵
۷	کیار	۳	۵	-۲	۶
۸	سامان	۱	۷	-۶	۸
۹	بن	۶	۲	۴	۳

منبع: (یافته‌های پژوهش)

امتیاز اصلی کپلند که به شهرستان‌های استان داده می‌شود، برحسب تفاضل میان بردها و باخت‌ها یا به عبارتی دیگر میزان مسلط‌شدن بر مغلوب‌شدن است. طبق این نتایج، شهرستان‌های اردل، لردگان و بن به ترتیب با تفاضلهای ۸، ۶ و ۴ در سطح برخوردار؛ شهرستان‌های بروجن، کوه‌رنگ و کیار به ترتیب با تفاضلهای ۲، ۰ و -۲ در سطح نیمه‌برخوردار و سرانجام شهرستان‌های فارسان، سامان و شهرکرد با تفاضلهای ۴، -۶ و -۸ در سطح غیربرخوردار قرار گرفته‌اند (شکل شماره ۶).



شکل شماره ۶: سطح نهایی برخورداری شهرستان‌ها براساس کپلند (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۵- بحث و فرجام

در زندگی اجتماعی مردمان ساکن در یک واحد جغرافیایی، بهره‌مندی از فرصت‌ها به‌طور عادلانه امری مهم و اساسی تلقی می‌شود. در صورتی که فرصت‌ها و همچنین محدودیت‌ها در سطحی نسبتاً متعادل توزیع شده باشند، می‌توان گفت که عدالت فضایی در یک پهنه سرزمینی سایه افکنده است. اما اگر مردمان یک سکونتگاه از مواهب و امتیازات اعطا شده سرشار باشند و درمقابل، مردمان سکونتگاهی دیگر به علل گوناگون از امکانات حقه خود محروم بمانند در این صورت است که بی‌عدالتی فضایی معنا می‌یابد. به همین سبب، دولت‌ها و نهادهای عمومی سعی می‌کنند با ارائه خدمات و امکانات به‌طور نسبتاً متوازن، هرچه بیشتر در مسیر عدالت اجتماعی و فضایی گام بردارند. عدالت فضایی در نواحی روستایی به این دلیل که این سکونتگاه‌ها عمدتاً با معضلات و مسائل عدیده‌ای مواجه هستند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. لذا پژوهش حاضر عدالت فضایی و میزان بهره‌مندی از خدمات عمومی را با تأکید بر نواحی روستایی مورد بررسی قرار داده است و برای این منظور روستاهای استان چهارمحال و بختیاری مطالعه گردید. چهار شاخص اصلی بهداشتی، آموزشی، فرهنگی - مذهبی و خدماتی جهت بررسی ۹ شهرستان استان مزبور انتخاب شدند که از شاخص بهداشتی متغیرهای مراکز بهداشتی، پایگاه بهداشت، خانه بهداشت، تعداد بهورز، تسهیلات زایمانی؛ از شاخص آموزشی متغیرهای پیش دبستان، دبستان، متوسطه و دبیرستان؛ از شاخص فرهنگی - مذهبی متغیرهای کتابخانه عمومی، مساجد و حسینیه‌ها؛ سرانجام از شاخص خدماتی متغیرهای آبرسانی، برق‌رسانی، شبکه گاز، دفاتر خدماتی، پاسگاه انتظامی، اماکن ورزشی، قابل ذکر هستند.

شاخص‌ها و متغیرهای فوق در مدل‌های ویکور، تاپسیس و ساو بررسی شدند که در نتیجه آن‌ها، میزان عدالت فضایی در بهره‌مندی از خدمات عمومی روستاهای استان چهارمحال و بختیاری به‌طور جداگانه مبرهن شد. به این صورت که طبق مدل ویکور، شهرستان اردل با رتبه نخست در وضعیت مطلوب و برخوردار قرار داشته و شهرستان‌های لردگان، بروجن، بن، کوهرنگ، کیار، فارسان و سامان که به ترتیب دارای رتبه‌های دوم تا هشتم هستند در سطح نیمه‌برخوردار و شهرستان شهرکرد با رتبه نهم در وضعیت غیربرخوردار و محروم جای گرفته است. با توجه به مدل تاپسیس، مجدداً شهرستان اردل با رتبه نخست نشانگر عادلانه بودن امکانات و خدمات روستایی در این شهرستان می‌باشد؛ شهرستان‌های کوهرنگ، بروجن و لردگان با رتبه‌های سوم تا پنجم در وضعیت نیمه‌برخوردار و شهرستان‌های بن، شهرکرد، فارسان و سامان در وضعیت غیربرخوردار قرار گرفتند. طبق مدل ساو که تا حدودی نتایجی متفاوت از دو مدل قبلی را ارائه می‌داد، سامان، بن و فارسان با رتبه‌های اول تا سوم؛ بروجن، اردل، لردگان و کیار با رتبه‌های چهارم تا هفتم و شهرکرد و کوهرنگ با رتبه‌های هشتم و نهم به ترتیب وضعیت برخوردار، نیمه‌برخوردار و غیربرخوردار را بازگو می‌کنند. برای دستیابی به یک نتیجه نهایی و کلی از کپلند استفاده شد و طبق محاسبات کپلند، شهرستان‌های اردل، لردگان و بن در وضعیت برخوردار و عادلانه؛ بروجن، کوهرنگ و کیار در وضعیت نیمه‌برخوردار و نیمه‌عادلانه؛ و فارسان، سامان و شهرکرد در وضعیت غیربرخوردار و غیرعادلانه قرار دارند.

۶- منابع

- احمدی، محمد و شمسی‌پور، علی‌اکبر (۱۳۹۹). تحلیل توزیع خدمات عمومی با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر بجنورد). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۸ (۱)، ۹۸-۷۳.
- اسماعیل‌زاده، حسن و معصومی، لیلیا (۱۳۹۴). تحلیل عدالت فضایی شهرستان‌های استان اردبیل در بخش شاخص‌های بهداشتی - درمانی با استفاده از مدل Vikor. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۷ (۲۳)، ۹۳-۱۰۴.
- اسماعیل‌زاده، حسن؛ کفاش، اعظم؛ حیدری، سمیرا و روی‌دل، جابر (۱۳۹۳). تحلیل عدالت فضایی برخوردار از خدمات حمل و نقل و ارتباطات در جغرافیای استان‌های مرزی (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان خراسان شمالی). فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۱۱ (۴۴)، ۶۰-۴۵.
- افراخته، حسن؛ ریاحی، وحید؛ جلالیان، حمید و سرائی، سودابه (۱۳۹۵). ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی شهرستان‌های استان اصفهان، فصلنامه آمایش سرزمین، ۸ (۱)، ۵۷-۸۱.
- امانپور، سعید؛ ملکی، سعید و حسینی شه‌پریان، نبی‌الله (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل پراکنش خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی در کلانشهر اهواز (با استفاده از تکنیک ادغام). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷ (۲۵)، ۵۵-۶۷.
- انوری، آرزو؛ ریاحی، وحید؛ عزیزپور، فرهاد و افراخته، حسن (۱۴۰۱). تحلیل الگوی فضای عدالت توزیعی در منطقه روستایی جنوب استان آذربایجان غربی. فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۲ (۴۷)، ۹۵-۱۱۴.

- ایمانی، بهرام و رحیمی‌زاد، میرمحمد (۱۳۹۸). ابعاد عدالت فضایی مؤثر بر کیفیت زندگی در روستاهای شهرستان اردبیل، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۴ (۳)، ۳۷۷-۳۸۸.
- پریزادی، طاهر؛ حسینی، سیده فرشته و بهبودی مقدم، حسین (۱۳۹۵). تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی، مطالعه موردی: شهر مریوان. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۶ (۲۱)، ۹۱-۱۰۲.
- پوراحمد، احمد (۱۳۹۳). قلمرو و فلسفه جغرافیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جوان، جعفر و عبداللهی، عبدالله (۱۳۸۷). عدالت فضایی در فضاهای دوگانه شهری (تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای نابرابری در حاشیه کلانشهر مشهد). فصلنامه ژئوپلیتیک، ۴ (۲)، ۱۵۶-۱۳۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۹). فلسفه جغرافیای سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ قادری حاجت، مصطفی؛ احمدی‌پور، زهرا؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و گوهری، محمد (۱۳۹۴). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی (مطالعه موردی: ایران). فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۹ (۱)، ۳۳-۵۲.
- داداش‌پور، هاشم و رستمی، فرامرز (۱۳۹۰). سنجش عدالت فضایی یکپارچه خدمات عمومی شهری براساس توزیع جمعیت، قابلیت دسترسی و کارایی در شهر یاسوج. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۳ (۱۰)، ۲۲-۱.
- رضایی‌زاده، محمدجواد و کاظمی، داود (۱۳۹۱). بازشناسی نظریه «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه فقه و اصول اسلامی، ۳ (۵)، ۲۳-۴۶.
- روستایی، شهرپور؛ عزیززاده یوالاری، شیوا (۱۳۹۹). سنجش عدالت فضایی خدمات عمومی در بین شهرستان‌های استان آذربایجان غربی. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۴ (۷۱)، ۱۵۱-۱۷۱.
- زارعی، محمدحسین و نجارزاده هنجانی، مجید (۱۳۹۶). مفهوم خدمات عمومی و تحول آن در پرتو دکترین کارکرد عمومی. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۹ (۵۶)، ۱۳۵-۱۵۶.
- سالنامه آماری استان چهارمحال و بختیاری (۱۴۰۰). جمعیت، مرکز آمار ایران.
- سالنامه آماری استان چهارمحال و بختیاری (۱۴۰۰). سرزمین و آب‌وهوا، مرکز آمار ایران.
- شریفی، بایزید، کریمی، صالح، امیرعشایری، محسن (۱۴۰۰). تحلیل فضایی سطوح توسعه یافتگی روستاهای شهرستان اشنویه، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، ۳ (۴)، ۷۴-۹۲.
- صادقی، مهدی، ستایش منش، مهدی (۱۴۰۲). بررسی مولفه‌های تاثیرگذار بر میزان مشارکت و ارتباط آن با سطح توسعه یافتگی نواحی روستایی مطالعه موردی دهستان پنجه علی، شهرستان قروه، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، ۵ (۴)، ۷۷۸-۷۹۴.
- فرجی سبکبار، حسنعلی (۱۳۹۱). تحلیل نابرابری‌های فضایی سکونتگاه‌های روستایی ایران. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۱ (۱)، ۸۳-۱۰۰.
- قادری حاجت، مصطفی و حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۷). راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در ایران. مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۳ (۱)، ۲۵-۵۷.

- کمانرودی کجوری، موسی؛ پریرادی، طاهر و میرزازاده، حجت (۱۴۰۱). تحلیل فضایی سطح برخورداری نواحی روستایی با رویکرد توزیعی (مطالعه موردی: دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی، ۱۷ (۶۱)، ۸۸۵-۸۹۹.
- مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳). تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران. ماهنامه پژوهشی - آموزشی شهرداریها، ۶ (۶۵)، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها.
- موسوی، میرنجف؛ مجنونی توتاخانه، علی؛ آفتاب، احمد و مفرح بناب، مجتبی (۱۳۹۸). تحلیل شاخص عدالت فضایی در روستاهای گردشگرپذیر (مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۱ (۳)، ۵۶۹-۵۵۱.
- واعظی، سیدمجتبی و البرزی، زهرا (۱۳۹۶). جایگاه مفهوم خدمات عمومی در حقوق اداری ایران. دوفصلنامه حقوق اداری، ۴ (۱۲)، ۳۱-۹.
- یاسوری، مجید؛ امامی، سیده فاطمه و سجودی، مریم (۱۳۹۵). عدالت فضایی بهره‌مندی از امکانات و خدمات در سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های استان گیلان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۶ (۴۱)، ۹۵-۱۱۶.

Christie, Pam (2013). Space, Place, and Social Justice: Developing a Rhythmanalysis of Education in South Africa. *Qualitative Inquiry*, 19 (10), 775-778.

O'Reilly, Tim (2011). Government as a Platform. *Innovations / Data Democracy*, volume 6, number 1, 13-40.

Ritz, Adrian; Brewer, Gene A. and Neumann, Oliver (2016). Public Service Motivation: A Systematic Literature Review and Outlook. *Public Administration Review*, Volume 76, Issue, 3. 414-426.

Syvertsen, Trine (1999). The Many Uses of the "Public Service" Concept, *Nordicom Review* 20 (1), 5-12.

Uwayezu, Ernest and Vries, Walter T. de (2018). Indicators for Measuring Spatial Justice and Land Tenure Security for Poor and Low Income Urban Dwellers. *Land*, 7 (3), 84, 1-34.